

بررسی و مقایسه‌ی ریاضت در آثار و مقامات شیخ احمد جام نامقی

زینب افضلی*

چکیده

در این پژوهش، آرای شیخ احمد جام درباره‌ی چستی ریاضت در آثار و مقامات موجود از وی، بازیابی و با یکدیگر مقایسه شده است؛ زیرا ریاضت، یکی از مهم‌ترین اصول در طریقت بوده و پیران و کاملان در ابتدای سلوک، این مرحله را پشت سر می‌گذاشته و مریدان خود را نیز بدان سفارش می‌کرده‌اند. شیخ احمد جام نامقی، معروف به ژنده‌پیل (۵۳۶-۴۴۱ ه.ق.) از مشایخ نامدار تصوّف است که روایت‌های گوناگونی در مورد چگونگی توبه و درآمدن او به حلقه‌ی صوفیان و سلوک فردی و اجتماعی اش به دست ما رسیده و آرای صاحب‌نظران تاریخ ادبیات و عرفان در باب وی، گاه در تقابل با هم است؛ از جمله مطالب شگفت در تذکره‌ها و مقامات، حکایات مربوط به ریاضت‌های اوست اما روایات مقامات در این باره تا چه حد قابل اعتماد است و آیا سخنان شیخ احمد جام در آثارش، گزارش‌های مقامات‌نویسان را تأیید می‌کند؟ بررسی تطابق یا عدم تطابق روایت‌های مقامات با سخنان شیخ جام از سویی، موجب کسب اطلاع نظر این صوفی درباره‌ی این دو اصطلاح تصوّف می‌شود و از سوی دیگر، معیاری برای سنجش اعتبار مطالب مقامات است. نگارنده در این پژوهش دریافته است که شیخ جام بیش از ریاضت به مجاهدت توجه داشته و مریدان را به ریاضات غیر معمول، توصیه نکرده است. همچنین ریاضات غریب منسوب به وی در مقامات ژنده‌پیل و خلاصه‌المقامات، در هیچ یک از آثار به جا مانده از شیخ جام، ذکر نشده است. گمان می‌رود، مقامات‌نویسان شیخ جام، پیر خود را با چنان ریاضاتی، پسندیده و او را نه آن‌چنان که بوده بلکه مطابق با تصویر دلخواه خود، معرفی کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: احمد جام نامقی، ریاضت، تصوّف، مقامات، مجاهدات.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۰
zeinabafzali@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۱۶
* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

(۱) مقدمه

شناخت درست و دقیق فرهنگ یک ملت در گرو تحقیقات علمی و بی‌طرفانه درباره‌ی عناصر آن است و بی‌شک یکی از ارکان شاخص فرهنگ ایرانی، تصوّف و عرفان می‌باشد که هنوز شناختی مستند بر واقعیات از همه‌ی زوایای آن حاصل نشده است؛ چنان‌که شفیعی کدکنی اظهار داشته است: «به شمار عارفان صاحب سبک، ما با نمازها، روزه‌ها، حج‌ها، مرگ‌ها، زندگی‌ها و معادهای گوناگون روبه‌رو می‌شویم. پس هرچند از اطلاق یک نام واحد به جریان دربرگیرنده‌ی این گوناگونی‌ها ناچاریم اما باید نسبت به وجود تفاوت‌های اندک و بسیار میان باورها و شیوه‌های صوفیان، آگاه و هوشیار باشیم. با توجه به ناهمخوانی و گاه تقابل فکری و رفتاری مشایخ تصوّف و سالکان طریقت به نظر می‌رسد که آگاهی از چیستی جریان تصوّف، نیازمند شناخت سبک‌های متنوع سلوک صوفیان است. بدین منظور باید سلسله‌آثاری درباره‌ی هر یک از احوال، مقامات، اصطلاحات، افراد و مکان‌های مطرح در تصوّف، با رویکرد تاریخی و بر اساس اقوال و آثار صوفیان اولیه تهیه شود.» (شفیعی کدکنی، ز، ۱۳۹۲: ۵۴۶) در همین راستا، برآن شدیم تا یکی از اصول مهم سیر و سلوک، یعنی ریاضت را در طریقت شیخ احمد جام به عنوان یکی از بزرگان تصوّف، بررسی کنیم.

شیخ احمد جام نامقی در تصوّف ایران، جایگاه مهم و منحصر به فردی دارد و شفیعی کدکنی او را از جمله کسانی معرفی می‌کند که «یک منظومه‌ی عرفانی را در عصر خویش به وجود آورده است.» (شفیعی کدکنی، د، ۱۳۹۳: ۱۳ و ۱۴) از این روی، آشنایی با زندگی، پندار، کردار و گفتار او در شناخت چیستی، نقش اجتماعی و سیر تاریخی تصوّف ایران تأثیرگذار است اما مطالعه و تحقیق درباره‌ی احمد جام، شرایط ویژه‌ای دارد؛ چنان‌که شفیعی کدکنی با این‌که در عنوان کتاب خود، شیخ جام را با صفت «ستیهنده» معرفی کرده ولی در عین حال، قضاوت درباره‌ی او را دشوار دانسته است. (ر.ک: همان) نصیری جامی به درستی اظهار می‌کند که ما شیخ احمد جام را با دو سیمای گوناگون می‌شناسیم و این شناخت، متأثر از داوری‌های متضاد و متقابلی است که محققان عرفان و ادبیات درباره‌ی شخصیت او کرده‌اند؛ چنان‌که علی دشتی، نصرالله پورجوادی و محمدرضا شفیعی کدکنی او را با عناوینی خشن توصیف نموده‌اند (جامی، ۱۳۹۶: سیزده) و علی فاضل، مصحح آثار شیخ احمد جام، هم وی را شیخی روشن ضمیر (ر.ک: همان) و هم واعظی بی‌محابا خوانده است. (فاضل، ۱۳۷۳: مقدمه) امیرحسین مدنی، فهرستی از سخنان متنوع بزرگان

عرصه‌ی ادبیات فارسی و محققان عرفان را درباره‌ی احمد جام، ذکر کرده و با دید انتقادی به این اختلاف نظرها نگریسته است. (ر.ک: مدنی، ۱۳۹۱: ۷) شفیع‌ی کدکنی تأکید می‌کند: «با شیخ جام، به‌ویژه در عصر ما، در دو سوی افراط و تفریط، برخورد شده است. آن‌ها که نگاه سنتی و مؤمنانه و مخلصانه و حتی خانوادگی دارند و از روی سرسپردگی، به او و کرامات و مزار او می‌نگرند، او را آن‌گونه می‌بینند که یک قدیس را... در طرف مقابل نیز کسانی کوشیده‌اند که کرامات شیخ و شخصیت روانی او را با دیدی انتقادی بنگرند و با استهزا و تمسخر با او روبه‌رو شوند.» (شفیع‌ی کدکنی، د، ۱۳۹۳: ۱۳ و ۱۴) وی تأکید می‌کند که درباره‌ی همه‌چیز شیخ جام به جز نوشته‌های مسلم او، باید مراقب افزودگی‌ها و پیراستگی‌ها و تحریف‌های تخیل مریدان او بود. (همان: ۷۲) با توجه به این وضعیت ابهام‌آلود، در بررسی ریاضات شیخ احمد جام، آثار وی را از روایات مقامات جدا می‌کنیم و به‌طور مجزا مورد مطالعه قرار می‌دهیم. در این پژوهش ابتدا به بیان کوتاه معنای لغوی، اصطلاحی و تعریف تاریخی ریاضت می‌پردازیم. پس از آن، سخنی چند در مورد شیخ احمد جام و نکات مهم در تحقیق درباره‌ی زندگی و آثار وی خواهیم گفت. سرانجام به بررسی سخنان این صوفی درباره‌ی ریاضت در آثار او و همچنین ریاضات منسوب به شیخ جام در مقاماتش، یعنی مقامات ژنده‌پیل و خلاصه‌المقامات خواهیم پرداخت.

۲) پیشینه‌ی پژوهش

در این بخش ابتدا پژوهش‌های مرتبط با ریاضت و سپس آثار مربوط به شیخ احمد جام را معرفی و بررسی می‌کنیم. درباره‌ی ریاضت در تصوف، آثار مستقل اندکی منتشر شده است. از آثاری که به زبان فارسی نوشته شده‌اند، می‌توان به «پاسخی به اهل سیاست در نگاهی واقعی به ریاضت و انزواطلبی در عرفان اسلامی» (مظاهری، ۱۳۹۴) اشاره کرد. این نویسنده به اندیشه‌ی عرفانی به عنوان اندیشه‌ی سیاسی نگریسته و صوفیان و خانقاه‌ها را از عوامل آبادانی ایران دانسته و ادعای مقصربودن صوفیه و روحیات ایشان را در عقب‌ماندگی کشور، رد کرده است. او همچنین بیان داشته است که ریاضت و انزواطلبی، راه‌گذر از علم حصولی و رسیدن به معرفت شهودی است. در پژوهشی دیگر، موسوی و فنایی اشکوری در مقاله‌ی «جایگاه ریاضت در تربیت اخلاقی از منظر قرآن و حدیث» (۱۳۹۴) جایگاه ریاضت نفس را در نظام تربیتی و اخلاقی اسلام بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند

که ریاضت، روح انسان را قوت و خضوع می‌بخشد. آنان همچنین ریاضت را به دو نوع اختیاری و غیراختیاری تقسیم کرده‌اند: ریاضت اختیاری شامل تمام تکالیف شرعی و ریاضت غیراختیاری دربرگیرنده‌ی ابتلائات و امتحانات الهی است. امکان پیراستن تکبر از انسان تنها به واسطه‌ی ریاضت، از دیگر یافته‌های این پژوهش است. (موسوی و فنایی اشکوری، ۱۳۹۴: ۹)

افضلی (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ی «تفاوت و تشابه ریاضت و مجاهده در سخنان صوفیان تا قرن هفتم هجری» به بیان تفاوت و تشابه ریاضت و مجاهده در سخنان صوفیان پرداخته است. او پس از بررسی آثار صوفیانه در بازه‌ی زمانی مذکور، به این نکته دست یافته که دو اصطلاح ریاضت و مجاهده در گفت‌وگوها و سخنان مشایخ به یک معنا به کار رفته است اما در متون تعلیمی و آثار مدون صوفیه، تفاوت‌هایی در کاربرد این دو دیده می‌شود. همچنین وی بیان می‌کند که منظور از مجاهده در کتب صوفیه، غالباً اعمال شرعی و عبادات مشروع و متداول است که به شکل سخت‌تر و با مقدار بیش‌تر انجام می‌شده است اما رفتار و اعمال مصداق ریاضت الزاماً مورد قبول شرع نبوده است. همچنین وی برخورد با نفس را ویژگی اصلی و وجه تمایز ریاضت از دیگر اصطلاحات مشابه مانند زهد دانسته است. درباره‌ی شیخ احمد جام نامقی نیز پژوهش‌هایی منتشر شده است؛ از جمله: مدنی (۱۳۹۱) در مقاله‌ی «احمد جام، از افسانه تا حقیقت» روایت‌های مقامات و قضاوت‌های معاصران درباره‌ی احمد جام را دور از حقیقت دانسته و بر آن شده است تا با بررسی آثار وی از شخصیت واقعی احمد جام آگاه شود. یافته‌های پژوهش وی حاکی از آن است که تصویر نمایان در آثار شیخ احمد جام، واقعی و قابل اعتماد و احترام است و نباید گفته‌های افسانه‌وار مقامات را ملاک داوری درباره‌ی شخصیت شیخ احمد جام قرار داد. لازم به ذکر است که وی به بحث ریاضت پرداخته است. قربان‌پور آرانی و رامشه حیدری (۱۳۹۳) در مقاله‌ی «از کرامات تا خرافات، با تأکید بر اسرار التوحید و مقامات ژنده‌پیل» به بررسی کرامات و خرافات در دو اثر صوفیانه‌ی اسرار التوحید و مقامات ژنده‌پیل و مقایسه‌ی این دو کتاب پرداخته‌اند. آنان مقامات ژنده‌پیل را نقطه‌ی اوج سیر کرامات به خرافات برشمرده‌اند و طبق یافته‌های پژوهش مذکور، دریافته‌اند که این مقامات سرشار از اغراق و محال‌گویی است. در پژوهشی دیگر، استوار نامقی و همکاران (۱۳۹۵) در «تحلیل گفتمانی انس التائبین احمد جام» به تحلیل گفتمان حاکم بر انس التائبین، مهم‌ترین اثر احمد جام پرداخته‌اند. ایشان، عناصر گفتمانی موجود در این کتاب را نشان‌دهنده‌ی شخصیت شریعت‌محور شیخ و واکنش تند او به تصوف

آلوده و نیز مرحله‌ی گذار اجتماع به روحیه‌ی شریعت‌ابزاری می‌دانند. سجودی و اکبری (۱۳۹۳) در «تحلیل گفتمان مقامات مشایخ صوفیه» نیز گفتمان مذکور را تحلیل انتقادی کرده‌اند. یکی از متون مورد بررسی آنان، مقامات ژنده‌پیل به عنوان کهن‌ترین و گسترده‌ترین شرح حال احمد جام است. این پژوهشگران دریافته‌اند که در چهارصد حکایت مقامات ژنده‌پیل، هیچ نشانی از گفتمان زاهدانه و اخلاق‌گرا به چشم نمی‌خورد و در گفتمان حاکم بر این کتاب، گفتمان تصوف سنتی با گفتمان‌های سیاسی تلفیق شده است. حسینی و علمی (۱۳۹۱) نیز در «کرامیه و تصوف» روابط شیخ جام با کرامیان خراسان را آشکار کرده‌اند و یافته‌های آنان، نتایج سجودی و اکبری را قابل پذیرش می‌نماید. با توجه به موارد یاد شده، جای خالی اثری مستقل درباره‌ی ریاضت در سلوک شیخ احمد جام نامقی دیده می‌شود.

۳) تعریف و اهمیّت ریاضت در تصوف

۱-۳) معنی لغوی ریاضت

باید برای جست‌وجوی معنی لغوی ریاضت، به کتاب‌های کهن لغت عربی مراجعه شود. مؤلف کتاب «العین» (۱۷۵-۱۰۰ق) ذیل روض نوشته‌است: «رُضْتُ الدَابَّةَ أَرُوضُهَا رِيَاضَةً أَيْ عَلَّمْتُهَا السَّيْرَ» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷: ۵۵)؛ چهارپایا را رام کردم؛ یعنی حرکت کردن را به آن آموختم. ریاضت در لغت عرب به معنای رام کردن و فرمانبردار کردن چهارپای سرکش و رهوارساختن آن برای گردش و سواری بوده است. در لغت‌نامه‌ها این مصدر و فعل‌های آن به طور عام برای چهارپایا و به‌ویژه اسب و شتر (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷: ۱۶۳) به کار رفته است.

۲-۳) معنی اصطلاحی ریاضت

ریاضت از صدر اسلام مجازاً در مورد نفس استفاده شده است؛ یعنی نفس، حیوانی سرکش دانسته می‌شود که نیاز به ریاضت و رام کردن دارد. جارالله زمخشری (۵۳۸-۶۷۷ق.) مؤلف «اساس البلاغه» به استفاده‌ی ریاضت برای نفس، اشاره و این جمله را نقل می‌کند: «رُضَ نَفْسُكَ بِالْتَّقْوَى» (زمخشری، بی‌تا، ج ۱: ۲۵۸) یعنی: نفست را با پارسایی، رام و مطیع کن. راغب اصفهانی (۵۰۲ق.) ریاضت را به کار گرفتن زیاد نفس به قصد نرم و روان کردن آن معنی می‌کند: «الرِّيَاضَةُ، كَثْرَةُ اسْتِعْمَالِ النَّفْسِ لِيَسْلَسَ وَيَمَهَّرَ» (راغب، ۱۴۱۲: ۳۷۲) یعنی: ریاضت به

کار گرفتن زیاد نفس تا نرم و روان (رام و مطیع) گردد. در گام بعد باید ببینیم که صوفیان چه تعریفی از ریاضت کرده‌اند. گروهی از صوفیه، تعریفی خاص از ریاضت نکرده‌اند اما برخی از جمله خواجه عبدالله انصاری، تعریفی مشخص از ریاضت به دست داده‌اند؛ او ریاضت را «تمرینُ النفسِ علی قبولِ الصَّدق»؛ یعنی تمرین دادن نفس بر پذیرفتن راستی، تعریف می‌کند. (انصاری، ۱۴۱۷: ۴۵ و ۴۶)

۳-۳) اهمّیت ریاضت در تصوّف

صوفی نامداری همچون «سُلَمی» مجاهده و ریاضت را شرط ورود به تصوّف می‌داند: «فلا یأتی علیه وقت إلا هو مشغول بواجب علیه فیه، لایخلو له وقت إلى الفراغ، و لایدخل أحد فی بدایه التّصوّف و علیه بقیه من المجاهده و الریاضه.» (سُلَمی، ۱۴۱۴: ۱۶۳) می‌گوید که هیچ زمانی بر سالک نمی‌گذرد جز آن‌که وی در آن وقت، سرگرم و اجبی است؛ زمانی برای فراغتش نیست و هیچ‌کسی در آغاز تصوّف وارد نمی‌شود مگر در حالی که پاره‌ای از نشانه‌های مجاهده و ریاضت در وجودش باشد. حلاج نیز ریاضت را از مراحل تصوّف می‌شمارد. (ر.ک: حلاج، ۲۰۰۲: ۹۶) با بررسی سخنان دیگر صوفیان می‌توان گفت که اکثر قریب به اتفاق آنان، ریاضت را از مراحل و لوازم سلوک و تصوّف برشمرده‌اند.

۴) زندگی، مقام و آثار شیخ احمد جام

احمد بن ابی‌الحسن نامقی جامی در سال ۴۴۱ هجری در روستای «نامه» یا «نامق» در جنوب نیشابور در ناحیه‌ای که امروز به نام کاشمر معروف است، متولّد شد و در سال ۵۳۶ هجری در روستای معدآباد، از توابع جام درگذشت و همان‌جا او را به خاک سپردند. (شفیعی‌کدکنی، د، ۱۳۹۳: ۲۲ و ۲۳) او در ابتدای عمر خود به خوشگذرانی و باده‌نوشی مشغول بود تا آن‌که بر اثر آوازی غیبی، توبه کرد و به کوه رفت و به عبادت و ریاضت پرداخت. پس از چندی بر اثر آوازی دیگر به خانه برگشت و عصا برگرفت و مشغول شکستن خم‌های باده شد تا این‌که به شحنه خبر دادند که احمد از کوه آمده و جنون بر او غالب شده؛ هرچه می‌بیند، می‌شکند و می‌ریزد. شحنه او را از خانه، خارج و در طویله‌ی اسبان بازداشت کرد. سپس احمد را بیرون آورد و از او عذرها خواست و احمد به کوه بازگشت و چند سال از کوه پایین نیامد (جامی، ۱۳۹۶:

۲۷-۲۳) و پس از آن بود که اندک اندک او را شیخ احمد جام نامیدند؛ تا جایی که به لقب‌های شیخ‌الاسلام، قدوة‌الابدال، قطب‌الاولاد، سلطان‌الاولیاء، معین‌المله‌ والدین و شیخ جام مشهور شد. (فاضل، ۱۳۷۳: ۲) از شیخ جام، هفت اثر موجود است که همگی به چاپ رسیده‌اند. شیخ جام، انس‌التائیین را در سال‌های پایانی قرن پنجم و یا اوایل ششم به صورت پرسش و پاسخ و در موضوعات متنوع، سراج‌السائرین را در سال ۵۱۳ هجری در ۷۳ سالگی، روضه‌المذنبین را در سال ۵۲۰ هجری در ۸۰ سالگی، مفتاح‌النجات را در سال ۵۲۲ هجری در ۸۲ سالگی، بحارالحقیقه را در سال ۵۲۷ هجری در ۸۷ سالگی، کنوزالحکمه را که نثری واعظانه دارد و از نمونه‌های مجلس‌گویی شناخته می‌شود، در نیمه‌ی جمادی الآخر سال ۵۳۳ هجری در ۹۳ سالگی، رساله‌ی سمرقندیه که مجموعه نامه‌ها و پاسخ پرسش‌های مشایخ و عارفان عصر است، در سه سال پایانی عمر شیخ نوشته شده است. این مکاتیب سال‌ها پس از مرگ شیخ، گردآوری و با این نام شناخته شد. (فاضل، ۱۳۸۷: ۳۹) دیوان اشعار، فتوح‌القلوب، فتوح‌الروح، تذکیرات و زهدیات نیز از آثار به دست نیامده و مفقود شیخ جام است. (جام نامقی، ر، ۱۳۹۶: ۴۲ و ۴۳)

۵) ریاضت در سخن شیخ جام

۵-۱) تعریف ریاضت و مجاهدت: در آثار و سخنان صوفیه در بخش‌های مربوط به غلبه بر نفس و هوا، همراه با اصطلاح ریاضت از اصطلاح مجاهدت نیز استفاده شده است. معمولاً در سخنان به جای مانده از صوفیان در کاربرد این دو تفاوتی نیست اما در نوشته‌های ایشان عموماً منظور از مجاهدت، گماردن همت مضاعف بر عبادات شرعی است و ریاضت، به رفتار و کردار سخت‌گیرانه‌ی سالکان و مشایخ برای مهار نفس گفته می‌شود و حتی ممکن است برخی از این اعمال بر مبنای دستور شرع، جزو اعمال و عبادات نباشد. (افضلی، ۱۳۹۳: ۱۷) در آثار و مقامات شیخ احمد جام نیز هر دو اصطلاح به کار رفته است و این قاعده صدق می‌کند. شیخ در بحارالحقیقه (جام نامقی، ب، ۱۳۸۹: ۹۲) با استناد به آیه‌ی ۶۹ سوره‌ی عنکبوت به بحث مجاهدت می‌پردازد. وی همچنین در ذیل همین آیه، سخن از لزوم جهد می‌گوید و تأکید می‌کند که «مجاهدت ببايد کرد و راه بايد دید.» (جام نامقی، ر، ۱۳۵۵: ۲۱۹-۲۱۱) اما اشاره می‌کند که مجاهدت افراد به مناسبت جایگاه ایشان متفاوت است. وی در ادامه‌ی بحث مجاهدت از کسانی که فضایل را بر دست گرفته و فرائض را فراموش کرده‌اند، انتقاد می‌کند. در نظر او این

روش برای جلب نظر مردمان است و ادعای این دسته افراد در این‌که هوی را قهر می‌کنند، پذیرفته نیست. شیخ احمد جام صریحاً ایشان را مورد خطاب قرار می‌دهد: «ای ناجوان‌مردان ناخدای ترسان... اگر قهر هوی کنی به خلاف نفس، کاری فرا دست گیر! نه به خلاف خدای و رسول. هوی پرستیدن و آن را مجاهدت و ریاضت نام کردن!» (جام نامقی، ر، ۱۳۵۵: ۲۱۵) در این بخش، شیخ احمد به تمامی به مجاهدت و بیان تفضیل فرایض بر فضایل و گمراهی برخی از مدعیان می‌پردازد و تنها نامی از ریاضت در کنار مجاهدت می‌آورد؛ آن هم با وجه مشترک لزوم مخالفت با هوی در هردو اما در مفتاح النجات به ریاضت پرداخته و آن را قهر کردن هوی تعریف کرده و عامل رسیدن به مقام مردان دانسته است. (جام نامقی، م، ۱۳۴۷: ۱۱۱) همچنین «بوزجانی» از قول شیخ در بیان احوالش در هجده سال کوه‌نشینی، در دو سطر پیاپی، یک‌بار «ریاضت» و بار دیگر «مجاهدت» را ذکر کرده و میان این دو تفاوتی نگذاشته است. (ر.ک: بوزجانی، ۱۳۴۵: ۵۱) در کنوزالحکمه، اصطلاح ریاضت به کار نرفته است اما از مجاهدت در همان هاله‌ی معنایی عبادات و وظایف شرعی بارها استفاده شده است. از گرسنگی و بیداری نیز در بحث روزه و عبادات شبانه و در بافت شرعی و نه غلبه بر نفس سخن گفته است. (فاضل، ۱۳۸۷: ۱۷۹) در رساله سمرقندیه، شیخ معصیت را به شیطان نسبت می‌دهد و اسراف حلال را به مؤمن و بین این دو فرق می‌گذارد. شیخ در ادامه بیان می‌کند: «به مجاهدت و ریاضت هردو نوع روشن می‌شود.» (جام نامقی، ر، ۱۳۹۶: ۱۲۰) او بزرگترین مجاهدت و ریاضت را قطع و فصل از اغیار می‌داند؛ مرید باید: «از حرامی ببرد تا نگیردش دوزخ، از حلالی دور شود تا بود از ابرار... دل را دارد تهی و برهنه از مدح و ذم خلق، طاعت نگه دارد از دیده‌ی نفس و عقل و گفتار...» (همان: ۱۳۶)

۲-۵) تشبیه ریاضت و مجاهدت: شیخ احمد، تن را در صورتی که در پی هوای خود برود، به سگ تشبیه می‌کند و مجاهدت و ریاضت را سگ‌بانانی می‌داند که مهار و تربیت تن هواخواه بر عهده‌ی آن‌هاست تا به مقصد و سعادت برسد. (جام نامقی، م، ۱۳۴۷: ۱۱۱) مؤلف مقامات ژنده‌پیل، سخنی نقل می‌کند که بر اساس آن، شیخ احمد جام آدمی را به گوهر آهن و ریاضت را به آینه، تشبیه می‌کند و می‌گوید: «آینه‌گر ابتدا باید گوهر آهن را بگذارد و فولاد به دست بیاورد و وقتی این عمل‌ها انجام شد و ریاضت‌ها کشیده شد، آینه ساخته می‌شود اما صیقل نیز لازم است تا آینه صاف و روشن شود.» (غزنوی، ۱۳۸۴: ۸۰)

۳-۵) تأثیر ریاضت و مجاهدت بر سالک: شیخ جام، این گونه استدلال می‌کند که سگ پلید پس از ریاضت دیدن، سگ امیر می‌شود؛ پس مؤمن که عزیزترین خلایق است، وقتی توبه نماید و هوای خود را قهر کند و در علم و عبادت، مجاهدت کند و ریاضت بکشد و رضای پروردگار را برگزیند، پاداش او از پاداش سگ کمتر نخواهد بود؛ یعنی سگ به امیر منسوب گردید، او نیز به خداوند منسوب می‌شود. (جام نامقی، م، ۱۳۴۷: ۱۱۱) وی همچنین تنِ فرد توبه کننده را به اسب نوزین تشبیه می‌کند که اگر ریاض بر او لگام و زین بنهد و او را برای حاضر شدن در صحنه‌ی نبرد آماده کند و پرورش دهد، هم برای میدان جنگ مناسب است و هم برای گردش و هم برای جان به در بردن سوار به هنگام شکست و عقب‌نشینی ولی اگر اسب، ریاضت نشده باشد و لگام و زین بر او نهاده باشند، جایی که باید به کار بیاید، نافرمانی و سرکشی می‌کند و مانند اسب فرعون هم خود و هم سپاه را به کشتن می‌دهد. او انجام دادن فرایض برای فرد توبه‌کار را مانند ریاضت برای اسب نوزین می‌داند و به عبارتی، ادای فرایض را به عنوان ریاضت سالک تازه‌کار عنوان می‌کند. (همان: ۱۱۰) این نکته نیز قابل ذکر است که از ابتدای پیدایش تصوّف تا کنون، اهل ریاضت با عناوین گوناگونی خوانده می‌شدند. احمد جام، واژه‌ی «ریاض» را برای نامیدن این گروه به کار می‌برد. (همان)

۴-۵) توصیه به ریاضت‌های رایج در سخنان شیخ جام: از نمونه‌های ریاضات رایج «گرسنگی، بیداری و سؤال یا همان گدایی» بوده است. احمد جام، اصل علم و عبادت را در فراغت دل از غیر و گرسنگی شکم می‌داند و می‌گوید: «هرکس شکمش سیر باشد و کار دنیایش به سامان، هیچ وقت بر هوای خود غلبه نمی‌کند.» (همان) او عبادت خالصانه را با شکم گرسنه ممکن می‌داند. (همان) شیخ جام همچنین سالک را به ترک خواب شب توصیه می‌کند: «نفسی در بیم و یکی در امید می‌گذارد و شب و روز به کار خدای مشغول گردد و طعام خوردن به روز، بدرود کند و خواب شب بدرود کند و به همه اوقات، زفان به ذکر حق تعالی، تر دارد؛ خاصه بامداد و شبانگاه که آن را خاصیتی است.» (همان: ۱۰۵) اگرچه برخی از مشایخ صوفیه، سؤال را شیوه‌ای مناسب برای ریاضت سالک می‌دانستند اما گویا احمد جام چندان با این کار موافق نبود؛ زیرا درباره‌ی اصحاب صفّه- که الگوی غالب صوفیان در ریاضات و مجاهده بوده‌اند- می‌گوید که ایشان از کسی سؤال نمی‌کردند. (ر.ک: جام نامقی، ا، ۱۳۵۰: ۲۲۱) برخی از صوفیه نیز پوشیدن جامه‌ی

خشن را به عنوان راهی برای غلبه بر هوی و نفس پیش می‌گرفتند. احمد جام نیز در ابتدا و در دوران ریاضت، جامه‌ی کهنه می‌پوشید و پاره بر پیش و پس می‌دوخت اما پس از پایان دوران ریاضت و بازگشت از کوه به میان مردمان، پلاس یا نم‌نمی‌پوشید و به همین دلیل امام علی تأییدی در اولین دیدار، او را از زهد به دور دانسته بود. (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۲۷)

۶) ریاضت‌های منسوب به شیخ جام

ریاضاتی که صوفیان انجام داده و در اقوال و آثار خود برشمرده‌اند، در بیش‌تر قریب به اتفاق موارد، اموری جسمانی است و توصیه‌هایی که برای ریاضت دادن نفس بیان کرده‌اند، در ارتباط با بدن سالک بوده و گاه به‌طور مستقیم از ریاضت بدن صحبت کرده‌اند؛ برای نمونه، شیخ اشراق، بدن را به زمینی تشبیه می‌کند که گاو نفس باید با آهن ریاضت آن را شخم بزند تا ثمر بدهد. (ر.ک: سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۹۱) همچنین امام محمد غزالی، بدن انسان را به چهارپایی تشبیه می‌کند که برای تبدیل شدن به مرکب رهور و طی مسیر، ریاضت می‌بیند و چون این امر محقق شد، ریاضتش پایان می‌پذیرد. او عنوان می‌کند که بدن انسان نیز باید برای شکستن شهوات و سرکشی خود، ریاضت ببیند تا رام شود و بتواند مسیر آخرت را ببیماید. (ر.ک: غزالی، بی‌تا، ج ۶: ۸۳) ریاضت‌هایی که درباره‌ی شیخ جام ذکر شده نیز جسمانی هستند که آن‌ها را در دو گروه می‌توان بیان کرد.

۶-۱) ریاضت‌های رایج منسوب به شیخ جام: گروه نخست شامل ریاضات معمول بین بیش‌تر صوفیان است که آن را «ریاضت رایج» می‌نامیم. این ریاضات شامل موارد زیر می‌شود:

۶-۱-۱) گرسنگی: احمد جام پس از توبه مدت‌ها از این کوه به آن کوه و از این شهر به آن شهر و از این مزار به آن مزار می‌رفت و هر نشیب و فراز را زیر پا می‌گذاشت؛ گاه بیست و یک روز غذا نمی‌خورد. (غزنوی، ۱۳۸۴: ۱۴) درویش علی بوزجانی از امام محمد غزنوی نقل می‌کند که شیخ الاسلام احمد جام، بیست سال، هر بیست روز الی دو ماه، یک بار طعام می‌خورد. (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۲۷)

۶-۱-۲) بیداری: همچنین گفته شده است که شیخ جام در مدت اقامت در کوه، شب‌ها را در کنار چشمه به عبادت و نماز به صبح می‌رساند. (غزنوی، ۱۳۸۴: ۱۸۱)

۳-۱-۶) پوشیدن جامه‌ی کهنه و خشن: شیخ الاسلام احمد جام، بیست سال کهنه پوشید. (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۲۷) احمد جام پس از توبه مدّت‌ها از این کوه به آن کوه و از این شهر به آن شهر و از این مزار به آن مزار می‌رفت و هر نشیب و فراز را زیر پا می‌گذاشت؛ گاه بیست و یک روز غذا نمی‌خورد، جامه و کفش و دستارش کهنه و پشمینه بود و هرگاه پاره می‌شد، پاره بر آن می‌دوخت و وصله می‌کرد. (غزنوی، ۱۳۸۴: ۱۴) جالب آن است که اگر چه شیخ جام در ابتدای کار، جامه‌ی کهنه می‌پوشید و پاره بر پیش و پس می‌دوخت (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۲۷) اما امام علی تایبادی در اوّلین دیدار با وی، شیخ را به دلیل آن‌که پلاس یا نم‌د نمی‌پوشید، از زهد به دور دانسته بود. (غزنوی، ۱۳۸۴: ۲۱۸)

۲-۶) ریاضت‌های نادر منسوب به شیخ جام

گروه دوم ریاضات منسوب به شیخ احمد جام، اعمال غریبی را در بر می‌گیرد که غالباً در سلوک صوفیان دیده نمی‌شود و مورد اشاره و نظر پیران نبوده است. این اعمال را «ریاضات نادر و فردی» می‌نامیم و در ادامه موارد منقول در مقامات شیخ جام را ذکر می‌کنیم.

۱-۲-۶) غلتیدن روی خار: محوری‌ترین عنصر در بحث ریاضت و مجاهدت، نفس است و رایج‌ترین برخورد اهل ریاضت با نفس خود، برآورده نکردن آرزو و خواست آن بوده است. در روایاتی که به دست ما رسیده، شیخ احمد جام نمونه‌ای از خشن‌ترین و خون‌بارترین برخوردها را با نفس به اجرا درآورده است. بر این اساس، او چندان با بدن خود مهربان نبوده و برای تنبیه نفس خود که جای نرم و پالوده‌ی گرم طلبیده، در زمستان، لباس از تن خارج کرد و روی تل خاری که فراهم کرده بود، آن‌قدر غلتید تا از زخم‌هایش خون جاری شد. (همان: ۳۱)

۲-۲-۶) غسل کردن در آب سرد: شیخ جام پس از آن‌که برای تنبیه نفس، روی خارها غلتید و بدنش خونین شد، درون چشمه‌ی یخ‌بسته، غسل کرد. (همان) و (شفیعی‌کدکنی، د، ۱۳۹۳: ۱۹۵ و ۱۹۶) همچنین در گزارشی دیگر: «شیخ احمد جام در ابتدای کار در برف و سرمای سخت به هنگام نماز دیگر، غسل کرد و به صومعه‌ای نزدیک زادگاه خود، نامق، رفت تا نماز بگذارد و نمازگاه او یک تکه یخ بسته بود و شیخ از حرارت ندامت متوجّه نشد و بر همان یخ تا صبح نماز خواند.» (غزنوی، ۱۳۸۴: ۱۴ و ۱۶) به‌علاوه در گزارشی آمده: «دیگر سالی زمستان سرد بود

و من پناه نداشتم. روزی نفس با من جدال کرد و گفت: یا احمد! بسیار مرا رنجه می‌داری و زحمت می‌دهی، سرد می‌یابم مرا خانه‌ی گرم می‌باید و گرسنه‌ام مرا پالوده‌ی گرم می‌باید؛ این چه کارست که می‌کنی؟ و مرا هلاک کردی. با نفس گفتم: نیک آید، هم اکنون تو را خانه‌ی گرم گرم کنم و پالوده‌ی گرم دهم و برفتم و کوتی خار- که آن را خار مغیلان خوانند- آوردم و بر زمین به هم کردم و خرقه برکشیدم و بر آن خارها می‌غلتیدم و نعره می‌زدم و می‌گفتم: بگير خانه‌ی گرم و پالوده‌ی گرم؛ تا جمله اعضای من مجروح شد و خارها در اعضای من شکست و از جراحات‌های من خون روان شد. پس برخاستم و خرقه برداشتم و رفتم تا به چشمه‌ای رسیدم که آن‌جا غسل کردمی و وضو ساختمی. چشمه، یخ بسته بود. نفس گفت: سخن من نمی‌شنوی، قول خدای عزّ و جل هم نخواهی شنیدی؟ نه چنین می‌فرماید که: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (البقره، ۱۹۵)؛ و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت می‌فکنید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد. بدین سخن درماندم. ساعتی بود بر لب چشمه نشسته می‌بودم و تفکر می‌کردم و خون از اعضای من می‌رفت. ناگاه نظر کردم در زیر یخ، مگس سبز دیدم بر روی آب می‌گشت. گفتم: ای بی‌معنی که تویی که از آن مگس ضعیف‌تر نیستی؛ آن‌که او را بر روی آب زیر یخ نگاه می‌دارد اگر خواهد، تو را نیز نگاه دارد و تواند داشت. پس خرقه بنهادم و سنگی برگرفتم و یخ بشکستم و در آب نشستم. سر آب جمله خون گرفت. ساعتی توقف کردم تا آن خون، آب ببرد. پس برخاستم و در آب خود را بشستم و برآمدم. به قدرت حق - سبحانه و تعالی - جراحات‌های من درست شده بود که هیچ اثر از آن باقی نبود. پس خرقه پوشیدم و بازگشتم. نخچیران و بُزان از کوه روان شدند و روی به من آوردند. من برخاستم و به گوشه‌ی سنگی برنشستم و از تعجب تسبیح می‌گفتم تا نزدیک من می‌آمدند و مرا در میان گرفتند و نفس فرا من نهادند تا عرق از من روان شد. پس ناگاه هراس خوردند و به تعجیل تمام روان شدند. پس ناگاه نگاه کردم، ازدهای عظیم دیدم رو به من نهاده بود و من بر قرار خود نشسته بودم. ازدها آمد و گرد من برآمد و سر فرا من می‌زد و اشارت به جانب کوه می‌کرد. من بر اشارت او روان شدم. مرا برد به غاری که من آن‌جا نرسیده بودم. مرا در غار برد. پس سر بر زانوی من نهاد و مرا مراعات می‌کرد؛ چون وقت نماز نزدیک رسید، دل من به نماز معلق شد، حرکت نمی‌یارستم کرد. عاقبت برخاستم تا خود چه کند. اشارت به سوی در کرد و من دانستم که می‌گوید، بیرون رو. بیرون آمدم. بعد در

آن کوه بودم بازو در آن غار می‌بودم و اگر دو یا سه روز نرسیدمی، او مرا طلب داشتی و آن جا آمدی که من بودمی.» (غزنوی، ۱۳۸۴: ۳۱)

۶-۲-۳) قصد اخته کردن خود: از موارد نادری که یک مسلمان به فکر از بین بردن عضوی از بدن خود افتاده، قصد قطع اندام شهوت بوده که برای دو تن از مشایخ صوفی از جمله احمد جام ذکر شده است. (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۵۰) و (غزنوی، ۱۳۸۴: ۲۳۲-۲۳۱) اما شیخ با ندایی غیبی از این اندیشه بازگشت و «هرچند وقت که وی را شهوت، رنجه می‌داشت به روزه و نماز قهر می‌کرد.» (همان) و (همان) نمونه‌ی دیگر درباره‌ی ابوعلی سیاه مروزی گفته شده است. (هجویری، ۱۳۸۳: ۳۱۵) البته سابقه‌ی اندیشه‌ی قطع اسباب شهوت در میان مسلمانان به صدر اسلام برمی‌گردد. ابن جوزی می‌گوید که اخته کردن خود، یکی از دغدغه‌های زاهدان و صوفیان بوده است. عثمان بن مظعون در صدر اسلام چنین قصدی داشت اما پیامبر او را از این امر نهی فرمود. سعد وقاص هم این چنین خیالی در سر داشت و گفت اگر پیامبر به عثمان چنین اجازه‌ی می‌داد، ما نیز چنین می‌کردیم. (ابن جوزی، ۱۴۰۷: ۳۳۰) سراج می‌گوید که برخی از مریدان این کار را انجام داده‌اند و با آن مخالفت می‌کنند. (سراج طوسی، ۱۹۱۴: ۴۱۸) روزبهان نیز به این ریاضت برخی از مریدان، اشاره و با آن مخالفت می‌کند. (بقلی شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۰۶)

۷) زمان، مکان و مدت ریاضت‌های شیخ احمد جام

از مطالعه‌ی سخنان صوفیان درباره‌ی ریاضت درمی‌یابیم که ریاضت به عنوان مرحله‌ای از سلوک، مدت زمان مشخصی داشته است؛ بدین معنا که دوره‌ای برای آن قائل بوده‌اند. از شواهد این ادعا، ذکر مدت زمان ریاضت صوفیان در شرح احوال و مقامات ایشان است. ریاضت و مجاهده‌ی احمد جام در آغاز کار او و به صورت پیوسته بود و همچنین زمان و مکان مشخص و معینی داشت. درباره‌ی مدت زمان کوه‌نشینی و ریاضت و مجاهده‌ی شیخ احمد، اختلاف روایت هست؛ چنان‌که امام محمد غزنوی مدت ریاضت و مجاهده‌ی وی را بیست سال گفته است اما بوزجانی، سخن شیخ در «سراج‌السائرین» را نقل کرده که این زمان، هجده سال بوده است. (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۵۱) احمد جام، دوازده سال در کوه «نامق» و شش سال در کوه «بزد» جام، «مجاهدت» کرد. مدت اقامت شیخ جام در کوه پیایی بود و چندین سال متوالی از کوه

پایین نمی‌آمد و در این هجده سال، تنها چند بار به میان مردمان و خانواده‌ی خود بازگشته است. (فاضل، ۱۳۷۳: ۸۴)

صوفیان، ریاضات خود را در مکان مشخصی انجام می‌دادند. نوع مکان ریاضت هریک متناسب با جغرافیای محلّ زیست ایشان و امکان خروج از شهر و یا الزام به ماندن در شهر بوده است. در بیان ریاضات ایشان غالباً به لغات «بیابان، دشت، کوه، صحرا و غار» برمی‌خوریم. احمد جام ریاضات خود را در کوه و غار انجام داده است. (همان)

ریاضت، دوره‌ای است که آغاز و پایان دارد. آغاز آن، عزم سالک به سلوک و ورود به مرحله‌ی ارادت است و نهایت آن، هنگامی است که پیر، پایان کار را اعلام کند یا هاتقی، سالک را به اتمام ریاضت دستور دهد. آنچه به دوازده سال کوه‌نشینی احمد جام را در «نامق» پایان داد، ندایی غیبی بود که او را به رفتن میان خلق و دعوت ایشان به راه خدا دستور می‌داد. (همان: ۹۰) از سویی، ریاضت آثاری بر جسم فرد می‌نهد. درباره‌ی احمد جام به ژولیدگی موی او هنگام اقامت در کوه اشاره شده است و این که در آن ایام، موی خود را نمی‌پیراست (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۲۷) و در مدت بیست سالی که به ریاضت و مجاهده پرداخت، همواره گریان بود و کسی روی او را خشک ندید. (غزنوی، ۱۳۸۴: ۱۴)

۸) پیر ریاضت، شیخ احمد جام

احمد جام نیز مانند ابوسعید ابی‌الخیر ادّعا کرده است که هر مجاهده‌ای را که از هر یک از اولیا نقل شده و او از آن مطلع شد، به‌جای آورده و بر آن نیز افزوده است. تفاوت بین سخن ابوسعید و ژنده‌پیل، این است که ابوسعید هرآنچه از اخبار و سنت بدو رسیده بود و در کتاب‌ها خوانده بود، انجام می‌داد ولی احمد جام مجاهدات دیگر اولیا را انجام می‌داد. مریدان شیخ احمد جام از احوال و اعمال او حیرت‌زده شدند و به او گفتند که مانند او را در مقامات و طبقات مشایخ ندیده‌اند. شیخ، پاسخ داد که اولیای خدا چنین حالاتی دارند و وقتی که شیخ به ریاضت مشغول بود، بر اعمال و احوال اولیای پیش از خود اطلاع یافت و همه‌ی آن‌ها را انجام داد و چیزی نیز از پیش خود بدان اعمال افزود. (غزنوی، ۱۳۸۴: ۱۶۷) و (فاضل، ۱۳۷۳: ۸۴) ابوعلی محمد بن عبدالوهاب التّففی گفته است که اگر کسی می‌خواهد به مقام مردان برسد، باید نزد پیری یا ادیبی یا امامی ریاضت بیند. (انصاری، ۱۳۷۷: ج ۱: ۱۳۹)

بسیاری دیگر از صوفیان نیز بر اهمیّت نظارت پیر و استاد بر ریاضات سالک تأکید کرده‌اند اما درباره‌ی برخی از صوفیه گفته شده است که شروع و پایان و زمان و انواع ریاضاتشان بنا بر نظر شخصی خودشان بوده و از پیری پیروی نمی‌کرده‌اند؛ از جمله‌ی ایشان شیخ احمد جام است که چه در سخنان خود، درباره‌ی ریاضت و چه در روایات مقامات نویسان، اشاره‌ای به حضور پیر و استاد در ریاضات وی نشده است. این امر - چنان‌که شفیع کدکنی احتمال داده است - شاید بدان دلیل باشد که شیخ جام بر اثر تعلیمات خانقاه‌های کرامی، در سلوک، خود را بی‌نیاز از پیر و خرقه می‌دانسته است. (شفیع کدکنی، ر، ۱۳۷۴: ۴۳)

۹) نتیجه‌ی ریاضت‌های شیخ احمد جام

معادله‌ای که صوفیه مطرح می‌کنند بدین صورت است که ریاضت و مجاهدت، اموری معلوم و لازمه‌ی سلوک است اما آنچه بر اثر آن روی می‌دهد، مجهول است. آن‌ها نتیجه و ماحصل ریاضت را با تعابیر مختلفی بیان می‌کنند؛ مانند «کشف، حالت، مشاهدت و برخاستن حجاب». امام محمد غزنوی و پس از او درویش علی بوزجانی، نتیجه‌ی بیست سال ریاضت و مجاهدت شیخ احمد جام را بدل‌گشتن کارها و ظاهرشدن گشایش، عنوان کرده‌اند. (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۲۷ و غزنوی، ۱۳۸۴: ۱۴) غزنوی، نتیجه‌ی نهایی را گشودن «دری از علم لدنی» بر شیخ، گفته است. (همان)

نتیجه‌گیری

با بررسی شواهد موجود، ملاحظه شد که شیخ احمد جام برای بیان کیفیت و اثر ریاضت، آن را به سگبان، زین اسب و صیقل آینه، تشبیه کرده است. وی همچنین در سخنان خود، سالکان را به گرسنگی و بیداری، توصیه و از سؤال و گدایی منع کرده است. ریاضاتی که محمد غزنوی، نویسنده‌ی «مقامات ژنده‌پیل» به شیخ نسبت داده، شامل گرسنگی طولانی‌مدت، بیداری شبانه و کهنه‌پوشی است که در زمره‌ی ریاضات رایج صوفیان بوده است اما این مقامات‌نویس در حکایتی، ریاضاتی غریب و غیرمعمول را نیز درباره‌ی احمد جام ذکر کرده است؛ از جمله: غلتیدن روی خار، غسل کردن در آب سرد و اقدام به قطع اندام شهوت. پس از بررسی منابع این گفته‌ها و روایات درمی‌یابیم که در آثار به جا مانده از شیخ جام، ریاضت‌های غریبی که

در مقامات ژنده‌پیل و روضه‌الریاحین بدو نسبت داده شده، ذکر نشده است؛ البتّه باید توجّه داشت که حکایات مربوط به این ریاضات عجیب، کم‌شمار است. با توجّه به این اشارات شاید بتوان میان ریاضاتی که به شیخ جام نسبت داده شده و دیگر روایات و کرامات منسوب به وی، رابطه‌ای برقرار کرد. در غالب حکایات و سخنان و اعمالی که از شیخ جام ذکر شده است، شاهد نوعی خشونت و برتری‌جویی در وی هستیم؛ بنابراین گمان می‌رود که مقامات نویسان شیخ جام، این منش و شیوه را برای استاد خود می‌پسندیده و پیر خود را چنان معرفی می‌کرده‌اند که بر خار می‌غلند و خون خود را در چشمه‌ی یخ بسته می‌شویید. با توجّه به سخنان وی درباره‌ی ریاضت و شیوه‌های برخورد با نفس، به نظر می‌آید باید با دیده‌ی تردید به خشونت موجود در روایت مقامات ژنده‌پیل در مورد ریاضت شیخ احمد جام مشهور نگرست. تصویر شیخ جام در حکایت ریاضت‌کشیدن او در مقامات با اندیشه‌ی شیخ جام در آثار وی متفاوت است و این امر از اعتبار و وثوق مقامات ژنده‌پیل می‌کاهد؛ چنان‌که یافته‌های «مدنی» (۱۳۹۱) و «قربان‌پور آرانی و رامشه حیدری» (۱۳۹۳) نیز این نتیجه را تأیید می‌کند.

منابع

الف) کتاب‌ها

قرآن کریم.

- ابن جوزی، ابوالفرج (۱۴۰۷ق). *تلبیس ابلیس*. الطبعة الثانية. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- (۱۳۸۹). *تلبیس ابلیس*. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو. چاپ سوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. چاپ سوم. بیروت: دارالصادر.
- انصاری، خواجه عبدالله (۱۴۱۷ق). *منازل السائرین*. مصحح علی شیروانی. تهران: دارالعلم.
- (۱۳۷۷). *مجموعه رسائل فارسی*. به تصحیح و مقابله‌ی سه نسخه محمد سرور مولایی. چ ۲. تهران: انتشارات توس.
- بقلی شیرازی، روزبهان (۱۳۸۱). *رسالة القدس*. مصحح جواد نوربخش. چاپ دوم. تهران: انتشارات یلدا قلم.
- بوزجانی، درویش علی (۱۳۴۵). *روضه التریاحین*. مقدمه و تعلیقات حشمت مؤید. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جام نامقی، احمد (۱۳۴۷). *مفتاح النجات*. تصحیح علی فاضل. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- (۱۳۵۰). *انس التائبین و صراط الله المبین*. (معروف به مقامات ژنده‌پیل). تصحیح علی فاضل. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- (۱۳۵۵). *روضه المذنبین و جنه المشتاقین*. به مقابله و تصحیح علی فاضل. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- (۱۳۸۷). *کنوز الحکمه*. مصحح علی فاضل. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- (۱۳۸۹). *بحار الحقیقه*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات حسن نصیری جامی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- (۱۳۸۹). *سراج السائرین*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات حسن نصیری جامی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- (۱۳۹۶). *رسالة سمرقندیه*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات حسن نصیری جامی. چاپ

- اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جامی، ابوالکارم بن علاء الملک (۱۳۹۶). *خلاصه المقامات شیخ جام (ژنده پیل)*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: حسن نصیری جامی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حلاج، حسین بن منصور (۲۰۰۲م). *دیوان الحلاج*. مصحح محمد باسل عیون السود. چاپ دوم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). *المفردات فی غرایب القرآن*. به تحقیق صفوان عدنان داودی. الطبعة الأولى. بیروت: دارالعلم الشامیه.
- زمخشری، جارالله ابوالقاسم (بی تا). *أساس البلاغه*. بیروت: دارالصادر.
- سراج طوسی، ابونصر عبدالله بن علی (۱۹۱۴م). *کتاب اللمع فی التصوف*. تصحیح رینولد الن نیکلسون. لندن: بریل.
- سلمی، أبو عبدالرحمن (۱۴۱۴ ق). *تسعه کتب فی اصول التصوف والزهد*. مصحح سلیمان ابراهیم آتش. بی جا: للطباعه و النشر و التوزیع و الاعلان.
- سهروردی، شهاب الدین (۱۳۷۵). *رسائل شیخ اشراق*. هانری کربن، سید حسین نصر و نجفقلی حبیبی. چاپ دوم. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۲). *زبان شعر در نشر صوفیه*. تهران: سخن.
- (۱۳۹۳). *درویش ستهینده: از میراث عرفانی شیخ جام*. تهران: سخن.
- غزالی، ابو حامد محمد (بی تا). *احیاء علوم الدین*. مصحح عبدالرحیم بن حسین حافظ عراقی. بیروت: دارالکتب العربی.
- غزنوی، محمد بن موسی (۱۳۸۴). *مقامات ژنده پیل*. محقق حشمت مؤید. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- فاضل، علی (۱۳۷۳). *شرح احوال و آثار شیخ احمد جام*. تهران: توس.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق). *کتاب العین*. چاپ دوم. قم: انتشارات هجرت.
- هجویری، علی بن عثمان (۱۳۸۳). *کشف المحجوب*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی. چاپ اول. تهران: سروش.

ب) مقالات

استوار نامقی، محمد؛ مهدی زرقانی و محمدرضا قربان صباغ (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمانی

- انس التائبین احمد جام». جستارهای ادبی. ش ۱۹۲. ۷۷-۴۷.
- افضلی، زینب (۱۳۹۳). «تفاوت و تشابه ریاضت و مجاهده در سخنان صوفیان تا قرن هفتم هجری». ادب فارسی. ش ۱۳. دانشگاه تهران. ۱۷۸-۱۶۵.
- حسینی، سید باقر و قربان علمی (۱۳۹۱). «کرامیه و تصوّف». مجله ادیان و عرفان. شماره یکم. ۲۱-۳۸.
- سجودی، فرزانه و زینب اکبری (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمان مقامات مشایخ صوفیه». کهن نامه ادب پارسی. ش ۴. ۷۳-۹۸.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۴). «روابط شیخ جام با کرامیان عصر خویش». زبان و ادبیات فارسی. ش ۶ و ۷ و ۸. ۲۹-۵۰.
- مدنی، امیرحسین (۱۳۹۱). «احمد جام، از افسانه تا حقیقت». مطالعات عرفانی. ش ۱۶. ۲۴۰-۲۱۷.
- مظاهری، عبدالرضا (۱۳۹۴). «پاسخی به اهل سیاست در نگاهی واقعی به ریاضت و انزواطلبی در عرفان اسلامی». پژوهشنامه ادیان. ش ۱۸. ۱۸۴-۱۵۹.
- موسوی، سید ابوالفضل و محمد فنایی اشکوری (۱۳۹۴). «جایگاه ریاضت در تربیت اخلاقی از منظر قرآن و حدیث». پژوهشنامه اخلاق. سال هشتم. ش ۳۰. ۲۲-۷.